

نوشته : دکتر شاهیور راسخ

سخنی چند درباره جرائم زنان

آقای دکتر شاهیور راسخ از علمای جامعه‌شناس ایران و در رشته خود خدماتی موثر به ایران نموده‌اند . مقاله زیرین از حادترین مسائل اجتماعی روز میباشد که نتیجه تحقیقات و مطالعات دقیق ایشان است و در این شماره برای اطلاع خوانندگان چاپ میشود .

مجله مسائل ایران

جرم شناسی در ایران هنوز علمی تازه شناخته است و تحقیقات در این زمینه بسبب قلت آمارهای موثق پیشرفت‌نمایی نکرده است . از بررسی آقای خسرو خسروی درباره جرم زنان در طهران (۱) چنین برمی‌آید که در سال ۱۳۳۵ تعداد ۹۲۳ زن بر اثر ارتکاب جرم های مختلف توقیف شده‌اند که از آن میان کسانی که «جرم های جنسی» چون زنان محصنه - قوادی و دائر کردن فاحشه خانه پرداخته‌اند بیش از همه بوده است (۲۲ درصد) جرمهای مهم دیگر ، خلاف (۲۲ درصد) و سرقت ساده (۱۷ درصد) بوده است . جرمهای دیگر با اهمیت کمتر از این سه است خوب است با این اطلاع مجمل که درباره جرم زنان در ایران داریم بمقایسه آن با پدیده مشابه در ممالک دیگر پردازیم و خصوصاً فحشاء و جرمهای جنسی را که هم‌جا مهمترین جرائم زنان یافته شده است تحقیق و تبیین کنیم .

این مطلب در همهٔ جامعه‌هایی که می‌شناسم صدق دارد که مردان بیش از زنان مرتکب جرم می‌شوند و نوع جرائم زنان با آنچه مردان ارتکاب می‌کنند غالباً متفاوت است . جدولی از مجرمان جوان در امریکا که برای سال های ۱۹۳۸ تا ۱۹۴۵ تنظیم شده است حکایت از این می‌کند که نسبت پسران حدود چهار برابر دختران بوده است . در میان بزرگ سالان زندانی امریکا نیز ، شماره مردان مضاعف عدد زنان بوده . در سال

(۱) مجله مسائل ایران - شماره آخر

۱۹۵۲ در شهرهای متوسط و بزرگ آمریکا، نسبت توقیف شدگان زن بسرد در مورد اتهامات مختلف تفاوت داشته و مثلاً در مورد سرقت های ساده و کلادبرداری يك به هفت و در مورد حمله و تجاوز يك به ده و در مورد راهزنی يك به بیست و پنج و در مورد سرقت توام با شدت عمل يك به چهل بوده است.

از این رو بسیاری از جامعه شناسان معتقد شده اند که سجایای زن و خصوصیات منش و خلق و خوی او چنان است که بالطبع کمتر به جرم رغبت می نماید. اما جامعه شناسان دیگر که بعقیده ماژرف بین تراند بر آنند که علت این اختلاف در تمایل جرم را جای دیگر باید جست بستگی زنان به حیات خانوادگی بیشتر است و نظارت جامعه بر رفتار زن بیش از آن است که در مورد مرد اعمال می شود. چون زنان قسمت عمده اوقات خود را درون خانه می گذرانند با دنیای جرم و محرکات جرم کمتر سروکار دارند و مسئولیتهای زندگی و ضرورت تنازع حیاتی در مورد زنان چندان نیست که آنان را بقدر مردان از راههای پذیرفته اجتماعی منحرف کند در بسیاری از موارد که گریبان مردان بدست عدالت می افتد، زنانی در پس پرده دخیل بوده اند و یا باعث و محرک جرم شده اند ولی کشف این حقیقت همواره کاری آسان نیست آمارهای جرم حاکی از آن است که نسبت زنان مطلقه که بجرم آلوده شده اند آشکارا بیش از زنان مجرد و متأهل است شبهه نیست که در این جا عامل اجتماعی در کار است. زن مطلقه غالباً ناچار است که در عرضه کشمکش حیاتی درآید و با محیط ناسازگار در افتد که از این جهت، چون مردان در خطر سقوط و کج رفتاری است و کثرت جرم او از همین ریشه برمی آید. دلیل دیگری که تفوق عامل اجتماعی را در مورد جرم زنان روشن می کند این است که اگر در قدیم زنان فقط بجرمهای محدودی چون فحشاء (درهمه جوامع) و بدمستی (در مغرب زمین) محکوم می شدند امروزه در انواع جرمها - البته به نسبت خفیفتری از مردان - دخالت دارند. این نکته گفتنی است که زنان، امروزه نه فقط بجرمهای مخالف نظم عمومی (فحشا - قمار - بدمستی - استعمال مواد مخدره) می پردازند بلکه جرمهای برضد اموال (سرقت - جیب بری) و برضد اشخاص (حمله و تجاوز و ضرب و جرح و قتل) هم از دست آنان برمی آید و با آن که ضعف و ظرافت بدنی زنان، در مقام مقایسه با نیرومندی و خشونت مردان کمتر مساعد جرم های اخیر است معذک در همه کشورها نسبت این گونه جرمهای زنان رو به افزایش می رود چنان که در همان حوزه قضائی طهران، تنها در سال ۱۳۳۵، ۱۲ زن بجرم قتل عمد و ۳۰ تن بجرم ضرب و جرح دستگیر شده اند امروزه زنان نه فقط در جرم هائی

که ماهیت فردی و عاطفی دارد شرکت می‌جویند بلکه در جریمهای جمعی و «حرفدای» نیز سراغ ایشان را می‌توان گرفت. بعبارت دیگر زنان در بسیاری از امور شیوه مردان اختیار کرده‌اند و اگر قرقی میان رفتار زن و مرد هست از نوع اختلاف درجه است نه تفاوت ماهیت X

پاره‌ای از محققان امریکایی در تبیین فراوانی بزه کاری جوانان گویند که در محیط خاص امریکا، آن چه پسران متعلق به طبقات متوسط را به سرپیچی از مقررات و کجرفتاری سوق می‌دهد میل ابراز و اثبات شخصیت و نمایش قدرت و استقلال «خوی و خلق زنانه» در خانواده است بعبارت روشن تر منزلت خاصی که زن در خانواده طبقات متوسط و برتر امریکایی دارد سبب می‌شود که بسیاری از صفات نرم زنانه بر پسران تحمیل می‌شود بعدها در دوره دبستان و آغاز دبیرستان هم غالب معلمان از جنس زن هستند و بزهکاری نوجوان در حقیقت نوعی سرکشی از سرمشق زنانه جلوه‌گری شخصیت‌نیرومند مردانه نوجوان است پس بزهکاری عکس‌العملی منفی در برابر الگوی زنانه ای است که همواره بر جوان امریکایی تحمیل شده است جوان با رفتار خشن و نفی اصولی که جنبه لطیف انسانی دارد می‌خواهد مردی ورهائی خود را نشان دهد و خود را در باب مردانگی خویش مطمئن و متقاعد کند. اما آن چه تا این جا در مورد ریشه بزهکاری جوانان گفته شد ظاهراً در مورد دختران صادق نمی‌تواند باشد دختر می‌تواند از راه نمایش صفات زنانه و خصوصاً جاذبه جنسی شخصیت خود را بکرسی نشاند و نیازی به ابراز خوی و خلق خشونت آمیز مردانه ندارد. بی‌جهت نیست که دختران در آغاز جوانی از طریق خود آرائی، جلوه فروشی و دلربائی سعی در تحمیل منزلت اجتماعی می‌کنند و اگر بانحرف رفتار مبتلی میشوند بیشتر در زمینه امور جنسی است.

معدلک نباید منکر این حقیقت شد که در پاره‌ای از جوامع استقلال زنان امری تازه است و غالب زنان اگر بقمار - بشرابخواری و بسیار کارهای غیر اخلاقی یا غیرقانونی (جرم) می‌پردازند بر اثر تقلید از الگوهای مردانه و برای اثبات شخصیت رها شده است. از این گذشته چون امروزه در اکثر رشته‌های فعالیت، زنان همدوش مردان گام برمی‌دارند جز این نباید انتظار داشت که در طرز رفتار شیوه مردان را بیاموزند و پیشی گیرند.

پیش از آن که بمهمترین جرم زنان که فحشاء باشد توجه کنیم و علل آن و وسعت این جرم را در جهان باز نماییم شایسته است مقایسه‌ای اجزائی بر اساس آمارها و مطالعات ممالک صنعتی - درباره میزان رواج و

کثرت کجرفتاری ها و جرمهای زنان و مردان بشود و چون بنای سخن بر اختصار است از ذکر محققانی که این اطلاعات باهتمام آنان فراهم آمده است چشم می‌پوشد .

خودکشی آمار های امریکا و ممالک غرب اروپا حاکی از آن است که میزان خودکشی زنان سه تا چهار برابر کمتر از مردان است گرچه ممکن است قصد خودکشی نزد زنان برابر یا بیشتر از مردان باشد .

اعتیاد بمواد مخدره در امریکا در برابر يك زن معتاد بازداشت شده ۹ مرد معتاد تحت توقیف آمده است چنین نسبتی را با اندك تقریب میتوان در مورد جرمهای عمومی زنان و مردان بازیافت .

الکلیسم - در برابر یکزن مبتلای الکلیسم در امریکا اندکی کمتر از ۶ مرد الکلیک وجود دارد .

جرم های برضد شخص - در این مورد در امریکا چنانکه فعلا اشاره شد نسبت مجرم زن و مجرم مرد حدود يك به ده است .

جرمهای برضد مال - در مورد این جرمها ، نسبت مجرم زن به مرد يك به ۷ تا ۱۰ است و در ممالک مختلف این نسبت تفاوت بسیار می‌نماید .
عشق به همجنس - بنا بر يك تحقیق ، در امریکا ۴ درصد مردان را می‌توان عاشق هم جنس بصورت ثابت و دائم دانست و يك تاسه درصد زنان را در این زمره بحساب آورد همین محقق نسبت مردان جوان را که وقتی در زندگی تجربه چنین عشقی داشته‌اند ۲۵ درصد و نسبت زنان را سیزده درصد دانسته است .

فحشاء غالبا تصور شده است که اختصاص بزنان دارد ولی مردان خودفروش هم کمیاب نیستند .

در باب ریشه فحشا که در قدیمترین تمدنهای از دسترفته نشانه‌های آن را بازیافته‌اند نظریه‌های چندی بیان شده . نظریه بسیار رایج که از مکتب روانکاوی مایه گرفته است از نوع روان شناس است و بر آن است که فحشاء حکایت از کمی رشد عاطفی و ناپختگی جنسی میکند زن خودفروش نتوانسته است بهنگام عقده پنهانی مهر بپدر را که در همه دختران میتوان یافت حل کند و بعبارت ساده‌تر عشقی را که در نهان پیدر خود داشت بمردی دیگر منتقل کند و از رنج پنهانی گنهکاری برهد . دختری که در کودکی از مهر پدر و مادر بهره کافی نبرده و یا گرفتار نایمنی عاطفی بوده است در بزرگ سالی کوشا خواهد بود که با ایجاد روابط مکرر کم دوام هوس آمیز با مردان مختلف بخود وانمود کند که محبوب و مطلوب دیگران است و از این راه سعی دارد حرمان عاطفی دوران کودکی را جبران کند . با اعتقاد فرویدیان غالبان هر جائی از عقده «الکترا» که میل جنسی پیدر و حسادت

و نفرت بمادر است در رنج و عذاب است و از این رو گرچه با مردان متعدد می‌آمیزد تا عطش عشق را فروشانند اما هرگز تمتع و لذتی واقعی نمی‌برد و خارگنه کاری لطف خوشی را در دل او تپاه می‌کند.

ما در این باب تردید نداریم که بسیاری از دختران منحرف کودکی دشواری را گذرانده‌اند و ناکامی‌ها و سرخورده‌گی‌های عاطفی ناگواری دیده‌اند و در پیوند کوتاه با این و آن، کمتر بدنبال لذت می‌روند و بیشتر از پی‌کاهش رنج تنهائی و «از چشم افتادگی» هستند اما غافل از این حقیقت نیز نیستیم که عامل روانی عامل بیگانه سقوط زن نیست عوامل اقتصادی چون فقر و نیاز زنان خصوصا در زمان بحران اجتماعی و جنگ و مانند آن یا طمع و حرص مردانی که زنان را چون برده‌سپید بخود فروشی و امی‌دارند عوامل اجتماعی مانند تساهل و مسامحه جامعه نسبت بامر فحشاء و وجود فواحش، نظام پدرسالاری خانواده که از زن جز کامیاب کردن مرد و فرزند آوردن انتظاری ندارد و مقررات سخت اخلاق قدیم که هیچ لغزشی را بر زن نمی‌بخشاید و دختری را که يك بار خطائی کرده است بصف زنان ساقط و حاشیه‌نشینان اجتماع می‌راند - عوامل فرهنگی مثلا در مورد آن چه و سترمارك فحشاء مذهبی خوانده است، آسان‌گیر بودن قواعد مربوط بروابط جنسی در پارهای از گروه‌های اجتماعی چون سیاهان در امریکا و بالاخره، روان‌شناسی اجتماعی دنیای جدید که خانواده تک همسری را پذیرفته ولی میل تنوع و تازه جوئی مردان را از طریق فحشاء بعضی زنان ارضاء می‌کند جمله عواملی است که در ایجاد و رواج و بقای فحشاء تاثیر دارند.

در این که عوامل اقتصادی در سوق زن بفحشاء بسیار کارگراست شبهه نمی‌توان کرد مسلما فحشاء در طبقات محروم و تنگدست اجتماع بیشتر رائج است گرچه طبقات بورژوا و اعیان نیز فحشائی مخصوص بخود دارند که با تعریف رائج فحشا (پذیرفتن روابط جنسی بصورت نامنظم بانوعی بی‌تفاوتی عاطفی بمنظور کسب معاش یا انتفاع) کاملا مطابقت نمی‌کند. در زمان جنگ که قحطی و گرسنگی غلبه پیدا می‌کند فحشاء رواج و وسعت خارق‌العاده‌ای می‌گیرد. زنان کم‌سواد یا «کور ذهن» که از عهده کارهای تخصصی و دشوار بر نمی‌آیند و آنان که تن باین کارها نمی‌دهند طعمه دیو فحشاء می‌شوند دختران متعلق ببعضی از اقلیت‌های محروم مانند سیاهان در امریکا که احیانا تابع قواعد جنسی شدیدی نیستند و قیودی سنگین از این بابت بردست و پا ندارند خود را به تن فروشی رها می‌کنند. زنانی که دنیای پر تجمل امروز دامنه آرزوهایشان را گسترش بی‌نهایت داده ولی وسائل و امکانات محدودی دربر آوردن آن آرزوها بدست آورده‌اند در خطر

این سقوط هستند خصوصا اگر حوادث ایشان را برسر راه مردان طمع کاری گذارد که بجای کار، به ثمره کار دیگران چشم دارند و زنان را بگوهری میفریبند و گوهر عفافشان را به بیگانگان می فروشند. چنین استعمار شرم باری غالباً به صورت فردی نیست این گونه مردان سازمانهای منظم و وسیعی را ترتیب می دهند مبالغ هنگفت به منظور فریفتن دختران ساده لوح فقیر و پرتما صرف می کنند، این دختران را از کشوری می ربایند و بکشور دیگر می برند، بعضی را اسیر مواد مخدره می کنند و پهای خود بورطه می کشانند، برخی را در دام مسابقات زیباروئی می اندازند و گرفتار دیو زشت سیرتی می کنند، عده ای را بکارگاه های سینمایی و هنری می برند و بوعده آن که از ایشان هنرپیشه ای درخشان یا هنرمندی چیره دست بسازند بکاری که از هر شکوه و جمال هنری دور است وادار می کنند. **Reckless** «رکلس» بر آن است که بسیاری از زنان هر جائی قبل از آن که بجهان فحشا وارد شوند با مردان فریبکاری آشنا شده و دل بمهر آنان بسته اند و همین مردان بوده اند که زنان را به تفویض تن و تجارت لذت واداشته اند.

ماحصل کلام آن که ممکن است در اکثر موارد زنان خودفروش دخترانی کم تربیت، کم سواد، ناقص العقل و کند ذهن، محروم عاطفی، اسیر عقده های روانی باشند اما ریشه فحشا را در جامعه و اقتصاد و فرهنگ آن باید جست و جامعه است که برای مقاصد خاص خود، دختران و زنانی را که بلبل روانی بیش از همه آمادگی انحراف و سقوط دارند انتخاب می کند و بفضحا می گمارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جلم علوم انسانی